روزنه

تنش‌های سؤال از وزیر دفاع درباره دوتابعیتی‌ها ادامه دارد

تکذیب پایداری‌ها در چند دقیقه

● **شرق:** تب‌وتاب سؤال از وزیر دفاع هنوز در پارلمان نخوابیده. سؤالی که درباره پخش فیلم دوتابعیتی‌ها در مجلس از وزیر دفاع پرسیده شد، توضیح علیرضا رحیمی در جریان سؤال از وزیر، تذکرها و صدای بلند پایداری‌ها در مجلس به صحن دیروز کشیده شد. کریمی‌قدوسی، نماینده مشهد در صحن منتظر بود تا میکروفونش روشن شود تا به آنچه اتهام علیه خود می‌دانست پاسخ دهد. آن هم کسی که طوماری از اتهام علیه سران قوا و دیگر مسئولان فعلی و سابق را پشت سر خود دارد. او بار دیگر بحث دوتابعیتی‌ها را مطرح کرد و از «کندوی نفوذ» در نهادها گفت. روایت این نماینده اما مثل همیشه پر از تناقض بود. تناقض‌ها وقتی مشخص شد که علیرضا رحیمی در پاسخ به کریمی‌قدوسی گفت که وزارت اطلاعات ۷۰ درصد فهرست دوتابعیتی‌هایی را که او تهیه کرده تکذیب کرده است. نماینده مشهد اما بیرون آمده بود تا لیست صدنفره در اختیار رسانه‌ها قرار دهد. البته رسانه‌هایی که به زعم او ارزشی بودند. او لیست تکذیب‌شده خود را در اختیار این رسانه‌ها قرار داد و به نظر می‌رسید که دیگر قرار نیست پاسخی به رحیمی بدهد. چراکه به همراه ۲۹ نماینده دیگر تقاضای سلب عضویت رحیمی از هیئت‌رئیسه را به کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس داده بود.

ادعاهای بی‌پایان یک نماینده

نماینده مشهد مثل همیشه صدایش در صحن بلند است. نمایندگان نزدیک به جریان پایداری هنگام سؤال رحیمی و ۲۷ نماینده دیگر از وزیر دفاع نیز مدام درخواست تذکر داشتند. رحیمی گفته بود فیلمی که با موضوع دوتابعیتی‌ها در مجلس پخش شد با سریال گاندو دو روی یک سکه هستند، هر دو در مسیر ناامیدکردن مردم، تشویش اذهان عمومی، تخریب دولت، متلاشی‌کردن دیپلماسی عمومی کشور و بدنام‌کردن دولتمردان به ویژه دیپلمات‌های موفق دولت هستند. پایداری اما از تذکرها راضی نبودند و دیروز نوبت به نماینده مشهد رسید تا به عنوان صحنه‌گردان پخش فیلم دوتابعیتی‌ها صحبت کند. او گفت: کندویی از نفوذ در این کشور به تدریج شکل گرفته و ملت باید بدانند که تمام مصیبت‌های امروز کشور در این کندو مدیریت می‌شود که این کندو، کندوی جریان غرب‌گرا و نفوذ است تا به ملکه این کندو حمله نکنید، سربازان نخواهند گذاشت که وضع شما بهبود یابد و از شر این جریان غرب‌گرا راحت شوید. او از فرایند هیئت تحقیق و تفحص دوتابعیتی‌ها که رئیس آن بوده گفت و اشاره کرد که با وزیر اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و وزیر امور خارجه نشست‌هایی داشته است. در روایت کریمی‌قدوسی او خواستار منتشرنشدن اسامی دوتابعیتی‌ها بود و نمایندگان امیدی خواستار منتشرشدن اسامی بودند. نکته دیگر اینجا بود که نماینده مشهد منکر ادعاهای خود درباره دوتابعیتی‌بودن رئیس‌جمهوری شد. وقتی هم رئیس مجلس از او در همین ارتباط سؤال کرد گفت «من به هیچ عنوان چنین چیزی را نگفتم، بلکه آقای رحیمی و دیگران بودند که مصاحبه کردند. بسیاری از نمایندگان از جمله آقای قاضی‌پور به من مراجعه کردند که لیست دوتابعیتی‌ها را در اختیار آنها قرار دهم ولی چنین کاری را نیز انجام ندادم». او حتی گفت «از دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی، ثبت احوال، سپاه و شورای نگهبان درخواست دارم که اگر یک سند در تأیید اتهاماتی که آقای رحیمی به بنده زدند، وجود داشت ایشان این سند را در صداوسیما پخش کند، در غیر این صورت صداوسیما باید این مذاکرات من را به صورت کامل پخش کند». کریمی به موضوع ایرانی‌الاصل‌نبودنش اشاره کرد. در آغاز مجلس دهم نیز بحث‌هایی درباره عدم صحت اعتبارنامه او شده بود. نماینده مشهد که پاسخی به این مسئله نداده بود دیروز گفت که اگر کسی سندی در این زمینه دارد نشان دهد. نماینده مشهد در حالی مدام تقاضای ارائه سند داشت که خود برای فهرست ادعاهای تکذیب‌شده‌اش هیچ سندی نشان نداده است. او که با صدای بلند اعلام کرده بود لیست دوتابعیتی‌ها را در اختیار رسانه‌ها می‌گذارد وقتی به راهروی بهارستان رسید لیست را در اختیار رسانه‌های محدودی گذاشت.

تکذیب در چند دقیقه

تکذیب ادعاهای کریمی‌قدوسی این بار به روز هم نکشید. علیرضا رحیمی عضو هیئت‌رئیسه در پاسخ به او در تذکری گفت که سؤال او از وزیر دفاع از موضع نماینده مردم تهران بود و نه عضو هیئت‌رئیسه مجلس. به گزارش «خانه ملت» رحیمی در توضیح صحبت‌های خود گفت: «سؤال روز گذشته من متوجه سپاه بود اما به دلیل نقص قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس به نماینده اجازه داده نمی‌شود تا از سپاه، بانک مرکزی و صداوسیما سؤال کند، مجبور هستیم دستگاه‌های متناظر را در دولت پیدا کنیم و سؤال خود را از این دستگاه بپرسیم. رحیمی ادامه داد: «روز گذشته از آقای رئیسی، رئیس قوه قضائیه سؤالی را درباره دوتابعیتی‌ها مطرح کردم، شما چرا ناراحت شده‌اید. شما که تحول را وارد قوه قضائیه کرده‌اید، ظرفیت دادستان کل کشور را فعال کنید تا اگر در کشور یک نفر به رئیس قوه اعلام کرد تابعیت انگلیسی دارد و به دروغ این خبر را در سراسر کشور منتشر کردند، دادستان کل کشور بلافاصله ورود کند.

ادامه در صفحه ۱۵

اعتراض وکیلی به نگاه اتاق فکر اصلاح‌طلبان به فراکسیون امید

بمباران یأس کردند

عکس: سهند تاکی، شرق

امیر محمد حسینی: از آن دست نماینده‌هایی است که به‌ندرت ردی از او در راهروهای بهارستان پیدا می‌شود. می‌گوید به دلیل کارهای هیئت‌رئیسه نمی‌رسم برای مصاحبه به راهرو بیایم. اخیرا اما چندجایی مصاحبه کرده و گفته که امیدی‌ها نمایندگان روایت حداقلی اصلاح‌طلبان بودند. محمدعلی وکیلی پیش از انتخابات مجلس دهم بیشتر به عنوان مدیرمسئول روزنامه «ابتکار» شناخته می‌شد اما حالا چهار سال است که عضو هیئت‌رئیسه مجلس است. بحث را هم با او از همین جا آغاز می‌کنیم. خودش می‌گوید که از باتجربه‌ها نه، ولی از مو سپیدکرده‌های فراکسیون امید است. فراکسیونی که قرار بود مطالبات اطلاح‌طلبان را در مجلس دنبال کند اما اکنون انتقادات زیادی را پشت سر خود می‌بیند. در سال آخر مجلس دهم که فرصت چندانی هم تا پایان آن باقی نمانده، وکیلی همچنان معتقد است که امیدی‌ها روایتگران حداقلی اصلاح‌طلبی بودند و قرار بود نقش حلقه وصل با حاکمیت را داشته باشند نه چیزی شبیه مجلس ششم. هرچند از این هم گلایه دارد که کسی در این چهار سال نگفت که برداشت آنها از وظیفه فراکسیون امید صحیح بوده یا نه. هر یک از نقطه‌نظرات وکیلی محل بحث ما است. گفت‌وگو با او حول این محورها به موضوعات دیگری هم کشیده می‌شود؛ از طرح سیاسی و نمایشی اعاده اموال نامشروع گرفته تا FATF و جایگاه مجلس در ساختار سیاسی کشور.

تعبیری کلی در افکار عمومی وجود دارد که فراکسیون امید انتظارات را برآورده نکرد. می‌دانیم که لیست امید ۱۸۰ نفر بود و فراکسیون امید نهایتا ۱۱۰ نفر. انتقادات به فراکسیون مستقلین و به‌هم‌زدن معادلات مجلس هم گفته شده است. اما با این همه عملکرد فراکسیون در مقاطع مختلف منتقدانی جدی دارد. شما عملکرد فراکسیون را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من از وضعیت تحلیلی دارم که می‌خواهم آن را اینجا مطرح کنم. در جلسه با آقای خاتمی هم بخشی از آن را به ایشان گفتم. وقتی از انتظارات صحبت می‌کنیم باید معیار آن مشخص باشد. جریانی که تحت عنوان امید به مجلس راه پیدا کرد، نماینده روایت حداقلی اصلاح‌طلبی بود.

از منظر نظارت استصوابی؟

به لحاظ ظرفیت پذیرش که اجازه داد نمایندگان روایت حداقلی اصلاح‌طلبی به حکومت راه پیدا کنند. تعدادی به شورای شهر و عده‌ای هم به مجلس رفتند. بنابراین اگر معیار ارزیابی ما روایت حداقلی اصلاح‌طلبی باشد، عملکرد فراکسیون امید قابل دفاع است. اما در مقیاس انتظارات روایتگران حداکثری اصلاح‌طلبی به هیچ وجه قابل دفاع نیست. از همین منظر رسالت جریان اصلاح‌طلبی که به حکومت راه پیدا کرد، چه آنهایی که به دولت رفتند و چه کسانی که به مجلس و شورای شهر راه پیدا کردند، کنش‌های حداکثری اصلاح‌طلبی نبود. در جلسه با آقای خاتمی خدمت ایشان عرض کردم که آقای روحانی با وجود خاستگاه اصولگرایی با محوریت شما و سرمایه اصلاح‌طلبی به پاستور رفت. در حالی که آقای روحانی به لحاظ شخصیتی از جمله اصولگراهایی است که به مرور زمان هم نمی‌توانند به اصلاح‌طلبان بپیوندند. به هر حال جریان اصلاحات بر اساس تحلیلی به چنین شخصیتی رسید. اما جریان اصلاح‌طلبی در اینجا خطای بزرگی کرد. خطای بزرگ این بود که مأموریت کسی را که به پاستور و کسانی را که به بهارستان فرستاد، مشخص نکرد. در نتیجه هر کسی با متر خود انتظارسازی کرد.

پس برنامه جامع اصلاح‌طلبان یا به اختصار برجا که ۱۲۶ بند داشت، چه بود؟

ببینید؛ به طور مثال ما روحانی را به پاستور فرستادیم که خاتمی دوم شود؟ یا او را به ریاست‌جمهوری فرستادیم با وجود اینکه می‌دانستیم او نمی‌تواند جا پای آقای خاتمی بگذارد؟ می‌دانستیم که اگر قرار باشد شبیه آقای خاتمی باشد، ناباورانه خواهد بود. به نظر من در نهاد جمعی اصلاح‌طلبان انتظار نانوشته‌ای وجود داشت. اینکه آقای روحانی مورد اعتماد رهبری است و در مناصب مختلف از جمله نماینده رهبری در شورای عالی دفاع بوده است. تصور بر این بود که او می‌تواند با برقراری دیالوگ سازنده با قدرت سوءتفاهم ایجادشده بین اصلاح‌طلبان و حاکمیت را برطرف کند و با رفع این سوءتفاهم انتظارات تدریجی اصلاح‌طلبان از جمله رفع حصر را برآورده کند. از این منظر آقای روحانی قابل نقد است. از همین منظر ما نیز قرار نبود که نقش مجلس ششم را ایفا کنیم. یعنی نطق‌ها و موضع‌گیری‌های اصلاح‌طلبانه مجلس‌ششمی داشته باشیم. ما بنا بود ارتباط سازنده با حاکمیت برقرار کنیم و به عنوان حلقه‌ای از راه‌یافتگان به حکومت اعتماد حاکمیت را جلب کنیم تا مطالبات بدنه اصلاح‌طلبی را در فضای مثبت برآورده کنیم. از این منظر عملکرد فراکسیون امید قابل نقد است. اما عمل اصلاح‌طلبانه فراکسیون امید فراتر از انتظار بوده است.

فراتر از انتظار فراکسیون یا کسانی که شما را به مجلس فرستادند؟

فراتر از کارکرد این تیپ آدم‌ها بوده است. کسانی مثل الیاس حضرتی، وکیلی، کواکبیان و دیگران که هیچ‌وقت در سقف اصلاح‌طلبی تعریف نمی‌شدند. به همین دلیل هم عده‌ای از آنها در کف معیارهای حاکم که اصولگرایانه بود پذیرفته شدند. بنابراین کسی انتظار نداشت که به طور مثال وکیلی تبدیل به بهزاد نبوی در مجلس شود. اما هر کدام از ما در موضع اصلاح‌طلبی فراتر از انتظاری که پیش از رفتن به حاکمیت از ما وجود داشت، عمل کردیم. به طور مثال در گرفتن مجامعی که می‌توانست برای جریان اصلاح‌طلبی دردسرآفرین باشد. اگر فراکسیون امید نبود هیچ‌گاه شورای شهر اصلاح‌طلب شکل نمی‌گرفت. ما تلاش کردیم هیئت نظارت بر شوراها را از اکثریت فراکسیون امید شکل دادیم. با تلاش و پافشاری فراکسیون امید در آن هیئت اکثر اعضای شورای شهر فعلی تهران و کلان‌شهرهای دیگر که فشار زیادی برای رد صلاحیت آنها وجود داشت از فیلتر نظارتی عبور کردند. اگر فراکسیون امید نبود طبق مستندات دوسوم شورای شهر تهران از فیلتر نظارتی آن هیئت عبور نمی‌کردند. کمیسیون ماده ۱۰ احزاب را هم اکثریت فراکسیون امید گرفتند. هیئت نظارت بر مطبوعات را گرفتیم که عملکردش مورد انتقاد جریان تندرو اصولگراست. اینها مجامع تأثیرگذاری بر ساحت آزادی مطبوعات و احزاب بود که گرفتیم.

شما به نقدهایی که به فراکسیون وجود دارد آگاه هستید. کدام بخش این نقدها را می‌پذیرید؟

همان‌طور که گفتم، مأموریت ما حتی گرفتن این مجامع هم نبود؛ آن هم با توجه به تعداد اعضای فراکسیون امید در مجلس. اما نقد به فراکسیون به عنوان نماینده جریان اصلاحات در حاکمیت برقرارنشدن دیالوگ سازنده با حاکمیت است؛ دیالوگی که باید به رفع سوءتفاهم ایجادشده منجر می‌شد. دو گونه موضع در این‌باره وجود دارد؛ عده‌ای معتقد هستند شما باید در مجلس قدرت را به چالش می‌کشیدید. اما به نظر من، این روش به نتیجه نمی‌رسید. فراکسیون امید باید با بخش‌های تأثیرگذار حاکمیت مثل سپاه، شورای نگهبان، قوه قضائیه و... وارد گفت‌وگو می‌شد و مشکلات و ابهامات اصلاح‌طلبان را برطرف می‌کرد.

شما معتقد هستید وظیفه فراکسیون امید چانه‌زنی با قدرت پشت درهای بسته بود؟

بله. و از همین منظر یعنی در رفع مشکلات جریان اصلاح‌طلب از رهگذر گفت‌وگو، فراکسیون امید قابل نقد است. دولت روحانی هم همان‌طور که گفتم، از این منظر قابل نقد است. آقای روحانی هم نه تنها اعتماد رهبری را پیرامون اصلاح‌طلبان برای رفع فاصله با حاکمیت جلب نکرد، بلکه با زاویه‌ای که پیدا کرد، مشکلی بر مشکلات افزود. حتی سوءتفاهم ایجادشده به دلیل روحانی عمیق‌تر شد.

ازدست‌دادن آقای مطهری در جایگاه نایب‌رئیسی هم حتما خسارت‌بار بود. اما هیچ‌گاه به ما نگفتند شما با صد نفر چطور دو نایب‌رئیس مجلس را از سال اول تا سوم گرفتید. همیشه اعتماد به نفس امید را با تخریب گرفتند. از روز اول که مجلس بازگشایی نشده بود، گفتند امیدی‌ها آدم‌های ناشناخته‌ای هستند که به برکت نظارت استصوابی وارد مجلس شدند

شما این بحث را به طور رسمی یا غیررسمی با آقای روحانی هم مطرح کردید؟

بله. در انتخابات ۹۶ مدام به آقای روحانی گفتیم بنا نیست شما خاکریزتان را جلوتر از اصلاح‌طلب‌ها بگذارید. وقتی این اتفاق می‌افتد، این خاکریز فردا علیه اصلاح‌طلبان استفاده می‌شود و تاوان آن بر دوش اصلاح‌طلبان می‌افتد. چنان که همین حالا هم این اتفاق افتاده است. در چینش کابینه هم به شکل‌های مختلفی به آقای روحانی گفته شد انتظار این است پشت رهبری قرار بگیرید و دولت را با نظر ایشان تشکیل دهید. در عین حال، کارآمدی و پاسخ‌گویی را ارتقا دهید چراکه سوءتفاهم‌هایی که ایجاد شده، با دوقطبی حل نمی‌شود.

بگذارید به مجلس برگردیم. عملکرد فراکسیون از منظر وظایف نمایندگی را هم قابل دفاع می‌دانید؟

از منظر کنش‌های درون‌پارلمانی فراکسیون امید موفق بوده است. ما فراکسیونی صدنفره بودیم اما سهم قابل‌توجهی در هیئت‌رئیسه و کمیسیون‌ها در سال دوم و سوم داشتیم. در سال آخر هم به لحاظ تعداد کمیسیون‌ها زیان نکردیم.

کمیسیون فرهنگی، آموزش، امنیت ملی و جایگاه نایب‌رئیسی آقای مطهری از دست رفت.

بله اما کمیسیون بهداشت را به دست آوردیم و کمیسیون اقتصادی که بسیار استراتژیک است. ازدست‌دادن آقای مطهری در جایگاه نایب‌رئیسی هم حتما خسارت‌بار بود. اما هیچ‌گاه به ما نگفتند شما با صد نفر چطور دو نایب‌رئیس مجلس را از سال اول تا سوم گرفتید. کسی این را برای ما امتیاز به حساب نیاورد. همیشه اعتماد به نفس امید را با تخریب گرفتند. از روز اول که مجلس بازگشایی نشده بود، گفتند امیدی‌ها آدم‌های ناشناخته‌ای هستند که به برکت نظارت استصوابی وارد مجلس شدند. با وجود این بی‌مهری اعضای فراکسیون کارشان را در ظرف مقدورات انجام دادند. اگرچه معتقد هستم کارنامه این مأموریت مهم ضعیف بوده است. اشکال بسیار مهم‌تری هم وجود دارد. در مجلس ششم گفته می‌شد با اینکه هر کدام از اعضا یک حزب بودند، عقبه‌ای فکری برای تغذیه آنها وجود داشت. در نطق‌ها، تذکرات، لوایح و طرح‌ها به آنها کمک می‌شد. به هر حال، احزاب فعال بود و اتاق‌های فکری وجود داشت. اما تا امروز که در سال آخر مجلس دهم هستیم، ما نه به صورت جمعی و نه فردی مورد مشورت یک نفر بیرون از مجلس قرار نگرفتیم؛ اینکه برای مثال بگویند خوب است در طرحی چنین موضعی داشته باشید یا به فلان سوژه بپردازید. این تغذیه فکری اتفاق نیفتاد. این در حالی است که تعدادی از کسانی که صدایشان هر روز در مجلس بلند است، هندزفری ارتباط با بیرون بسیار فعالی دارند. از بیرون به آنها گفته می‌شود در موضوعات چه موضعی گرفته شود و در فلان مسئله چه بگویند. البته این مقدار از ارتباط خیلی بد است. اما نکته اینجاست که طرف مقابل تا این حد به اتاق‌های تودرتوی فکری وصل است.

آیا همین اشکال در انسجام‌نداشتن حول موضوع‌ها و مسائل مختلف مجلس به فراکسیون وارد نیست؟

نکته‌ای که گفتم، متوجه کسانی است که در بیرون این فراکسیون را شکل دادند.

اگر آنها نگفتند، شما درخواست کردید؟

ما حتما خواستیم. در طول این چند سال خدمت آقای خاتمی عرض کردیم. من شخصا بارها به آقای عارف گفتم شورای عالی سیاست‌گذاری نباید محدود به شورای تعیین فهرست شود. این شورای عالی باید شورای نظارت بر عملکرد فهرست‌ها شود.

آن وقت این تصور بین بعضی از اعضا به وجود نمی‌آمد که اصلا چرا باید پاسخ‌گوی گروه‌های بیرون از مجلس باشند؟

ممکن است اشخاصی چنین تصوری داشته باشند. اما گفتم از روزی که منتخب بودیم و هنوز پا به مجلس نگذاشته بودیم، دوستان گفتند اینها آدم‌های رده چندم و محصول نظارت استصوابی هستند. به‌تازگی هم می‌گویند اینها منتخبان بین بد و بدتر هستند.

نمود رسانه‌ای شما هم چندان قابل توجه نیست. نحوه حضور شما در رسانه‌ها هم این نگاه را که نماینده‌های فعلی اگر نگوییم کف، حتی وسط خواسته‌های اصلاح‌طلبی هم نیستند، تأیید می‌کند.

من می‌گویم ما هنوز وارد مجلس نشده بودیم که بمباران یأس از سوی اتاق‌های فکر جریان اصلاح‌طلبی شروع شد.

سؤال اینجاست که شما نمی‌توانستید از خودتان اعاده حیثیت کنید؟ اگر در بزنگاه‌هایی عملکرد شما به اعاده حیثیت از خودتان منجر شده بود، آیا بمباران از سوی به‌زعم شما آن اتاق‌های فکر، متوقف نمی‌شد؟

شما فرض کنید سربازان اردوگاهی مأموریتی گرفتند. اما در آغاز راه به آنها نگفتند مأموریت شما چیست.

اجازه دهید همین‌جا یک نکته اضافه کنم. برنامه جامع انتخابات که ۱۲۶ بند داشت، پس چه کارکردی داشت؟ برخی از اعضای فراکسیون معتقد هستند حتی ۱۰ بند آن هم اجرائی نشد.

آن برنامه‌ای روتین است که می‌گوید در حوزه‌های مختلف اقتصادی و... چطور عمل کنیم. من از منظر گفتمان می‌گویم ما باید چه رویکردی را اتخاذ می‌کردیم؟ بنا بود چه نسبت سیاسی با وضع موجود قدرت داشته باشیم؟ مثل مجلس ششم باشیم؟

شما معتقد هستید بنا بود حلقه وصل باشید.

برداشت من این بود. باید کسی بود که می‌گفت آقای وکیلی تو اشتباه می‌کنی. به هر حال، من در حد خودم به عنوان نماینده فراکسیون امید گفتم مأموریت ما جدال با قدرت نیست. مأموریت ما جلب اعتماد برای حل موضوعات است. یک اتفاق فکری می‌توانست به من بگوید آقای وکیلی، فهم شما از مأموریت غلط است و شما باید با چالش مطالبه‌گری کنید. اما هرگز این اتفاق نیفتاد. در حالی که نماینده‌های اصلاح‌طلب مجلس ششم را از بیرون تغذیه می‌کردند. با اینکه هر کدام به یک حزب وصل بودند و گفته می‌شود به لحاظ کنش سیاسی خبره‌تر از نماینده‌های فعلی بودند. به آنها برای نطق کمک می‌شد. من به عنوان آدمی که در مجموعه [فراکسیون امید] مؤثر به حساب می‌آید، احدی به صورت موردی نگفته که برای مثال شما بد یا خوب نطق کردی. امروز طرحی در مجلس با عنوان اعاده اموال نامشروع مسئولان وجود دارد که بر سرنوشت سیاسی آیندگان تأثیر می‌گذارد. من شاهد هستم طیف مقابل ما در این چقدر منسجم عمل کرد و از بیرون نیز تغذیه می‌شد. اما هیچ‌کدام از دوستانی که تیغ نقدشان بر فراکسیون امید برنده است، نگفتند در این طرح نظر ما به عنوان طیفی از اصلاح‌طلبی چنین است. همه آنچه در مجلس اتفاق می‌افتد، برایند جریان داخلی فراکسیون امید است که از جریان بیرونی خود منقطع است. یا برایند افراد خاص در فراکسیون است نه جریان سیاسی. البته این معلول مشکلی است. در گذشته عقل منفصل از قدرت جریان اصلاح‌طلب فربه‌تر از عقل متصل به قدرت آن بود. عقلی که بیرون نشسته بود و از منظر نهاد مدنی و با گفتمان مدنی مطالبه‌گری اصلاح‌طلبی داشت، فربه بود. حتی زمانی که قوه مقننه، قوه مجریه و حتی بخشی از قوه قضائیه در اختیار اصلاح‌طلبان بود. اما اکنون چنین نیست. امروز روایتگران رسمی اصلاح‌طلبی کسانی هستند که متصل به قدرت هستند. روایتگران روایت اصلاح‌طلبی که متصل به قدرت نیستند به گونه‌ای است که گویا اپوزیسیون هستند و در طیف تعریف نمی‌شوند. این فاجعه است. عواقب آن هم این است که فراکسیون حداقل صدنفره در مجلس بدون اینکه تغذیه شود، رها شد. در شورای شهر هم همین‌طور است. جمعی با شعار اصلاح‌طلبی و با اتکا به فضای اصلاح‌طلبی مردم تهران به شورای شهر راه پیدا کردند. اینها در کدام موضع کمک می‌شوند؟ ۸۰ درصد کارهای شهردار روتین است اما در ۲۰ درصد دیگر تصمیماتی است که رنگ گفتمانی دارد. باید توجه کرد تفاوت منظر به حقوق مردم در آن وجود دارد؟ موضع جریان اصلاح‌طلبی پیرامون این ۲۰ درصد چیست؟ اصلا موضعی دارد؟

شما ارجاعات بیرونی زیادی می‌دهید؛ به‌ویژه درباره یکدست‌نبودن مواضع نماینده‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های آنها. اگر بپذیریم از بیرون مجلس هیچ کمکی به شما نشده، در مجلس آقای عارف که رئیس فراکسیون امید است، رئیس شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان هم هستند. با این حال، انسجامی در عملکرد فراکسیون وجود ندارد.

اول این نکته را بگویم که به نظر من فراکسیون امید منظم‌ترین فراکسیون است. از ابتدا تاکنون هر هفته جلسه هفتگی هیئت‌رئیسه یا شورای مرکزی داشته است. اما این فراکسیون صد عضو دارد. یا باید به این صد نفر بگویند شما عصاره جریان سیاسی هستید و به هر جمع‌بندی که رسیدید، مورد قبول است یا نه. برای مثال، مدت‌هاست نسبت فراکسیون امید با دولت محل بحث است. دوستان می‌گویند این نسبت را باید اقطاب اصلاح‌طلبی تعیین کنند. باید برایند نظر جمعی باشد. این به تسلسلی باطل تبدیل شده که باعث ازدست‌رفتن زمان شده است. دولت راه خود را می‌رود و مجلس هم راه خود را می‌رود. باید جایی تصمیم‌سازی شود که فراکسیون امید با حمایت حداکثری یا حمایت حداقلی با انتقاد حداکثری یا سیاست عبور از دولت راه خود را ادامه دهد. انتقاد حداکثری یعنی کسی بنا به مصلحت مانع استیضاح نشود. در همین فراکسیون چندبار طرح استیضاح وزرای دولت رأی نیاورد. در نتیجه هم بانیان استیضاح و فراکسیون امید در منظر عمومی آسیب دیدند. طرح استیضاح رئیس‌جمهور یا سؤال چندبار با مقاومت فراکسیون امید به عقب رانده شد. حالا این سؤال وجود دارد که این حمایت حداکثری که دولت هم آن را به حساب نمی‌آورد تا چه زمانی باید ادامه داشته باشد؟ فراکسیون امید ناجی این دولت در لوایح مهمی مانند لوایح مرتبط با FATF است که امکان نداشت بدون حمایت فراکسیون از مجلس عبور کند. یا لایحه بودجه و رأی اعتماد به دولت که هر دو با حمایت فراکسیون امید اتفاق افتاد. هزینه همه فراکسیون‌های هزینه‌بر را فراکسیون امید داده است نه لیست امید.

ادامه در صفحه ۷

ادامه از صفحه ۲

مرور کارنامه ۱۰ ساله قاضی‌القضات

زیرا به تخلفات تمام وزرا، نمایندگان مجلس، سفرا، مدیران و استانداران، قضات سراسر کشور و امیران نظامی همه در تهران رسیدگی می‌شود. مرتضوی از زمان اعاده دادسرا در زمان هاشمی‌شاهرودی به‌عنوان اولین دادستان تهران انتخاب شد. او سوابق تندی در دادگاه عمومی و بعد در دادسرا داشت و بسیاری معتقد بودند با تغییر رئیس قوه قضائیه احتمال تغییر وی باید مطرح شود، اما شاهد این اتفاق نبودیم تا اینکه با گذشت یک دوره چهارساله و بعد از دادگاه کهریزک و تأمین اجتماعی، کوچ اجباری مرتضوی به قوه مجریه رقم خورد.

وی ادامه داد: در بررسی عملکرد ریاست آملی‌لاریجانی در کنار اقدامات مثبت فرصت خوبی است که به اقدامات نه‌چندان مثبت هم پرداخت؛ اقداماتی که در تاریخ ماند مانند برخورد شدید با کانون‌های وکلا و امضای آیین‌نامه مرکز مشاوران که تعجب‌برانگیز بود. اما دو عملکرد در دوران ریاست این فقیه دانشمند که انتقادبرانگیز بود یکی اصلاح آیین دادرسی کیفری که لایحه را قوه قضائیه به مجلس ارسال کرد بعد از تصویب و تعیین زمان اجرا که حدود اواخر شهریور می‌شد، به‌یک‌باره قوه لایحه را پس گرفت و ۵۱ تغییر مانع از اجرای آیین دادرسی کیفری مترقی اولیه قوه قضائیه شد.

همچنین مورد بعدی تبصره ماده ۴۸ بود، هرچند قوه قضائیه نزدیک به دو سال به اجرای آن تن نداد، اما این تبصره به اصل دفاع از حقوق متهم آسیب وارد کرد و جز اصلاح آن راهی وجود ندارد.

احمدی در پایان یادآور شد: البته نباید از نقش مهم قوه قضائیه مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی غافل شد که مسئولیت نظارت بر اجرای قوانین را به قوه قضائیه قرار داده است و این دستگاه ارکان و بازوان قدرتمندی برای این امر در اختیار دارد، برعکس قوه مجریه. بنابراین استفاده از این ظرفیت‌ها اهمیت خاص داشت و دارد.

پیمان حاج‌محمودعطار، حقوق‌دان، نیز در ادامه بررسی عملکرد قوه قضائیه در دوران ریاست آیت‌الله آملی‌لاریجانی گفت: نباید از کارکردهای مثبت ایشان نیز غافل شد که یکی از کارهای قابل تقدیر آیت‌الله آملی‌لاریجانی در دوران ریاست بر قوه قضائیه تبدیل سیستم ارسال مکاتبات قضائی اعم از اظهارنامه، ثبت دادخواست و شکایت و ابلاغ احکام و قرارهای قضائی از طریق سیستم مجازی به جای سیستم فیزیکی و مملو از ایراد سابق بود. ازاین‌رو، بسیاری از اوراق قضائی به جای ابلاغ فیزیکی از طریق اینترنت و پیامک به ارباب رجوع ابلاغ می‌شود.

او ادامه داد: البته می‌توان نگاهی به دوره ماقبل، یعنی دوران ریاست آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی داشت و بعد نقد کرد. یکی از کارهای پسندیده‌ای که مرحوم آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در دوره ۱۰ساله ریاست خود بر قوه قضائیه، به‌ویژه در دوره دوم ریاست انجام داد، بحث میانجیگری و دخالت نهادهای مردم‌نهاد و افراد صاحب‌نفوذ مانند پیشکسوتان هنری، ورزشی و مدنی در جلب رضایت اولیای‌دم مقتولان و جلوگیری از اعدام و قصاص بسیاری از محکومان به این مجازات‌ها... بوده است.از سویی دیگر، براساس مبانی فقهی و برخی مواد در قانون مجازات اسلامی اجرای حکم اعدام و قصاص علاوه بر حکم دادگاه نیاز به استیذان از ولی فقیه دارد که ایشان این اختیار را به رئیس قوه قضائیه تنفیذ کرده‌اند. آیت‌الله شاهرودی در زمان ریاست خود به‌دلیل رعایت اصل انصاف و جلوگیری از هدررفتن خون مسلمان ولو مسلمانی که محکوم به اعدام و قصاص بوده است و آگاهی از آسیب‌های غیرقابل‌جبران ناشی از اعدام برخی از محکومان تلاش گسترده‌ای برای به‌تأخیرانداختن صدور دستور استیذان کرد.با کمک این روش و با دخالت نهادهای مردم‌نهاد و صنفی بسیاری از محکومان به اعدام در دوران ریاست ایشان با جلب رضایت از خانواده اولیای‌دم مقتول و دریافت دیه، مازاد دیه از اعدام محکوم صرف نظر کردند و این افراد به آغوش خانواده خود بازگشتند. ولی پس از تغییر ریاست قوه قضائیه و آمدن آیت‌الله آملی‌لاریجانی فعالیت‌های نهادهای مردمی که عهده‌دار جلب رضایت از خانواده مقتولان و تأمین هزینه دیه جایگزین قصاص بودند، متوقف شد.یکی از مشکلاتی که در دوران ریاست آملی‌لاریجانی به آن مبتلا بودیم، کم‌کاری کمیسیون اعمال ماده ۱۸ سابق و (۴۷۷ کنونی قانون آیین دادرسی کیفری) در اعاده دادرسی فوق‌العاده نسبت به احکام قطعی مراجع قضائی با استناد به اختیارات رئیس قوه قضائیه بود و این تعلل و کم‌کاری نهادهای ذی‌ربط در اعمال اعاده دادرسی فوق‌العاده موجب شد که بسیاری از احکام قطعی دادگاه‌های بدوی در زمان رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر، به‌دلیل تراکم گسترده پرونده‌های ارجاعی به این مرجع یا پیچیده‌بودن محتویات برخی پرونده‌ها، قضات محترم تجدیدنظر در اندک پرونده‌هایی دچار اشتباه و خطا در استنباط قضائی خود شوند و آشکاربودن اشتباه در حکم صادره بسیار مبرهن بوده و باید سریعا در کمیسیون اعاده دادرسی مطرح می‌شد اما متأسفانه با محدودشدن این موضوع در قوه قضائیه این پرونده‌ها بدون اقدام رها شدند.پایان دوران ریاست هر مسئول و مدیری زمان مناسب برای نقد عملکرد او است، اما نمی‌توان از عدالت خارج شد و به ناحق بر مقام قضاوت نشست. هر دوره نقاط مثبت و منفی خود را به همراه دارد و باید در ظرف زمانی خود بررسی شوند تا به دنبال راهکارهایی برای عدم تکرار اشتباهات و افزایش کارایی‌ها باشیم.